

میزان روز قیامت



آیت الله حسین نوری

موضوع حساب روز قیامت در مقاله های قبل مورد بحث قرار گرفت و در این رابطه مطالبی با توفیق خداوند متعال مورد تذکر واقع شد اکنون در دنباله آن بحث باید توجه داشت که انجام حساب دقیق در صحنه پرشکوه قیامت در پیشگاه عدل الهی با این دو موضوع بستگی کامل دارد:

۱. تعیین کمیت و مقدار اعمال نیک و بد انسان.
۲. تعیین کیفیت و درجات اعمال.

موضوع دوم یعنی روشن شدن کیفیت اعمال از این نظر شایان اهمیت است که ایمان و اعتقاد انسانها بهر یک از اصول و میانسی اسلامی و تخلق انسان بهر یک از اخلاق نیک و ملکات فاضله از قبیل سخاوت، صبر، شجاعت تواضع و رأفت و نیز انجام هر یک از اعمال نیکو از قبیل نماز، روزه، انفاق، جهاد و حج از لحاظ کمال و فضیلت دارای مراتب و درجات بسیار مختلفی است که در پیشگاه خداوند عادل همه اینها بحساب خواهد آمد چنانکه اخلاق پست و اعمال بد نیز دارای درجات مختلفی میباشد و همه آنها در موقع حساب مورد نظر خواهد بود.

و دیگر مطلب مهم این است که برای تعیین و تشخیص مقدار و درجات ایمان و اخلاق و اعمال وجود یک آلت و ابزار که بعنوان میزان برای سنجش باید بکار گرفته شود ضروری است و لذا یکی از موضوعاتی که جزء معارف اعتقادی ما مسلمانان محسوب میشود ایمان به «میزان روز قیامت» است یعنی همانطور که انسانها در این دنیا برای اندازه گیری هر چیزی میزانی که بوسیله آن مقدار و اندازه آن چیز را میسنجند و تعیین میکنند مثلاً برای سنجیدن مقدار حرارت، «گرماسنج» و برای اندازه گیری دایره و قوس «پرگار» و برای سنجیدن خط عمود «شاقول» و برای تعیین مقدار فشار خون «دستگاه فشارخون» و بهمنظور بدست آوردن اوزان اشعار «علم عروض» و بالأخره برای تعیین استحکام مطالب

عمل انسانها باندازه دانه خردلی هم باشد بحساب میآوریم و ما خود برای حسابرسی کافی خواهیم بود.

در این آیه همانطور که ملاحظه میکنیم موضوع نصب و بکار گرفته شدن میزانها را با حساب روز قیامت مربوط ساخته است. و نیز میفرماید:

«وَالْوِزْنَ يُوقَّضُ الْخَيْرَ فَمَنْ قَلَّتْ قَوَازِئُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ السُّفْلِيُونَ وَمَنْ كَثُرَتْ قَوَازِئُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَيْرًا أُقْسِمُ بِمَا كَانُوا يَأْتِيَانَا يَبْلُغُونَ».

یعنی: وزن در روز قیامت حق است و بنابراین، آنانکه میزانهای آنها سنگین و وزین باشد رستگار خواهند بود و آنانکه میزانهای آنان سبک باشد بر خود زیان رسانیده و بآیات الهی ستم کرده اند.

در این مورد باید توجه داشت که قرآن مجید همانطور که اصل وجود میزان را برای روز قیامت و بکار گرفته شدن آنها برای سنجش اعمال انسانها تثبیت میکند گروهی را نیز از این موضوع استثنا مینماید و میفرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا»

یعنی: کسانی که نسبت بآیات پروردگار کفر ورزیده و ملاقات با خدا را (یعنی معاد و جزای اعمال را) قبول ندارند اعمال آنها بطور کلی باطل و بی اثر میگردد و روز قیامت برای اعمال آنها سنجشی بعمل نخواهد آمد.

استاد بزرگوار علامه طباطبائی رضوان الله علیه در تفسیر المیزان میگویند: تنها اعمال افرادی که گرایش بکفر ندارند در روز قیامت مورد سنجش قرار میگیرد منتها قرآن مجید در تعبیرات خود در باره اعمال نیک، ثقل و سنگینی و در باره اعمال بد، خفت و سبکی بکار میبرد (همانطور که در آیاتی که ذکر گردید ملاحظه کردید) مثلاً میگوید: «فَأَذَانٌ لِبَلَدٍ لَّآ آسَافٌ فَلَا أَتَابُ لَهَا بِئْسَ مَوْجِدَةٌ»

علم فلسفه «مطلق» را بوجود آورده اند. خداوند متعال نیز در آن جهان میزانهایی قرار داده است که بوسیله آن اعمال انسانها و درجات و مراتب آنها مورد اندازه گیری قرار میگیرد و تعیین میشود.

البته برای ما اکنون در اینجهان خصوصیات آن میزانها روشن نیست ولی به اصل وجود آنها بجهت اینکه قرآن مجید و احادیث و آثار اهل بیت عصمت سلام الله علیهم از آن خبر میدهند و نقش آنها را در روز قیامت بازگو میکنند ایمان و اعتقاد داریم. علامه مجلسی رضوان الله علیه می گویند: ما بسیزان روز قیامت ایمان داریم ولی علم به کیفیت آنرا به انتحه (ع) وامیگذاریم.^۱

قرآن مجید در مواردی از وجود میزانها در روز قیامت و بکار گرفته شدن آنها سخن گفته است و مخصوصاً «حساب روز قیامت» را با بکار گرفته شدن آنها ربط داده است:

مثلاً در یک مورد فرموده است: «وَتَوَضَّعُ الْمَوَازِينَ الْفُشَطُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تَنْظُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكُنْ بِنَا حَاسِبِينَ».

یعنی: ما میزانهای عدل را برای روز قیامت نصب می کنیم و هیچ کس ستم نخواهد شد و اگر

وَلَا يَسْأَلُونَ فَمَنْ ثَمَّرَتْ فَوَازِيئُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتْلِفُونَ
وَمَنْ حَفَّتْ فَوَازِيئُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَيْرُوا لِنَفْسِهِمْ فِي
جَهَنَّمَ عَالِدُونَ تَلْفَحُ وَجْوهَهُمُ النَّارُ وَلَهُمْ فِيهَا كَالْحِوْنُ»^۱
یعنی: هنگامیکه نطفه صور قیامت دمید
دیگر پیوندهای خوبشاوندی بدر نمیخورد و
کسی حال کسی را نمیپرسد در آتروز کسانی
که میزانهای اعمالشان سنگین باشد جزء
رستگاران خواهند بود و کسانی که میزان
اعمالشان سبک باشد از زیانکاران خواهند بود و
در جهنم مخلد خواهند گشت.

و نیز میفرماید:

«فَأَمَّا مَنْ ثَمَّرَتْ فَوَازِيئُهُ فَهَوِيَ فِي عِيشَةٍ رَاحِيَةٍ وَأَقَامَ مَنْ
حَفَّتْ فَوَازِيئُهُ فَأَمَّا هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا بَعِيَتْ نَارُ حَامِيَةٍ»^۲
یعنی: کسیکه میزانهای اعمالش سنگین
باشد در زندگانی رضایت بخش بسر خواهد برد و
کسیکه میزانهایش سبک باشد جایگاه او
«هاویه» است و توجه میدانی که هاویه
چیست؟ آتشی سخت سوزنده و گدازنده است.
بنابر آنچه ذکر شد این مطلب همانطور که
گفته شد مسلم میشود که قرآن مجید همواره در
بارة حسنات (اعمال نیک) به ثقل یعنی سنگینی
تعبیر میکند و در جانب سِنَات (گناهان) همیشه
به خِفَّتْ یعنی سبکی تعبیر مینماید.

بر این اساس این مطلب در نظر مورد تأیید
قرار میگیرد که در روز قیامت چیزی وجود دارد
که اعمال انسانها بوسیله آن مورد سنجش قرار
میگیرد و سنگینی ذاتاً تعلق بآن دارد و در میان
اعمال انسان آنچه که خوب است با آن منطبق
میشود و مورد سنجش قرار میگیرد و آنچه که بد
است با آن منطبق نمیشود و مورد سنجش قرار
نمیگیرد و از این موضوع به خِفَّتْ و سبکی میزان
تعبیر شده است چنانکه ماهمین موضوع را در
موازین معمولی می بینیم مثلاً یکی از مقیاسهائی
که واحد ثقل است و بآن وسیله سنگینی اشیاء را
می سنجیم «مشقال» است و آنرا در کفّ ای
میگذاریم و متاعی را در کفّ دیگر قرار میدهیم
اگر آن متاع معادل آن مشقال باشد آنرا قبول
میکیم و گرنه آنرا کنار میگذاریم.
و این نکته را نیز میدانیم که در حقیقت

میزانی که با توسیله اشیاء سنجیده میشوند و وزن
آنها معلوم میشود همان «مشقال» است و ترازو و
امثال آن مقدمه سنجیدن است و نیز مثلاً یکی از
میزانهائی که طول را با آن می سنجیم «متر» است
ما موقعیکه چیزی را با آن می سنجیم اگر معادل
آن باشد بعنوان یک متر آنرا قبول میکنیم و گرنه
کنار میگذاریم.

باین ترتیب برای اعمال نیز اعمه از عقائد و
اخلاق و کردار بلکه برای هر یک از اصول
اعتقادی و فضائل اخلاقی و اعمال نیک
واحدهائی بعنوان مقیاس وجود دارد و هر آنچه
که با آن مقیاس منطبق شود مورد توجه و قبول قرار
میگیرد و گرنه مردود میشود.

مثلاً برای «نماز» که یکی از فرائض اسلام
است میزانی هست که باید نمازها با آن سنجیده
شود و آن «نماز کامل» که حق نماز است
میباشد و همچنین برای زکاة و انفاق در راه خدا و
همچنین برای هر یک از اعمال ارزنده میزانی
وجود دارد که باید هر یک از آنها با میزان خود
که حق است سنجیده شود و نیز از برای کلام و
گفتار نیز میزانی وجود دارد که باید گفتارها با
آن سنجیده شود و آن گفتار «حق» است و هر
گفتاری که با این میزان (گفتار حق) تطبیق کرد
دارای وزن است و مورد قبول واقع میشود و گرنه
مردود خواهد شد.

بنابراین منظور خداوند که در آیه ۸ سوره
اعراف فرمود: «وَالْوَزْنُ يُوَسِّدُ الْحَقُّ» این است که
اعمال انسانها در روز قیامت با میزان حق
سنجیده میشود و بهر اندازه که مشتمل بر حق باشد
بهمان اندازه اعتبار و قیمت دارد و چون حسنات
مشتمل بر حق میباشند ثقل و وزن دارند ولی چون
گناهان همگی باطل میباشند و از اشتمال بر حق
خالی میباشند ثقل و وزنی ندارند.

و منظور از آیه ۶۹ سوره زمر نیز که فرموده
است:

«وَأَشْرَفَتِ الْأَرْضُ بِبُيُوتِهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ
بِالسَّيِّئِ وَالشَّهَدَاءِ وَفُضِيَ بَيْنَهُمُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»
نیز همین معنا است و معنای آیه این است که
زمین با نور پروردگارش روشن میگردد و کتاب

مخصوصی گذارده میشود و پیغمبران و گواهان
اعمال انسانها نیز بآن صحنه آورده میشوند و میان
آنها قضاوت بر اساس حق صورت میگیرد و آنها
هرگز مورد ظلم قرار نمیگیرند و مقصود از کتاب
در این آیه کتاب مخصوصی است که حق را از
باطل در همه امور و اینکه چه اندازه از هر عملی
مشتمل بر حق میباشد معین میکند و سنجیدن
اعمال با آن، مشخص میکند که این اعمال چه
اندازه مشتمل بر حق میباشد تا بهمان مقدار
دارای ثقل و وزن باشند.

بنابر آنچه که ذکر گردید کلمه «وزن» در
آیه ۸ سوره اعراف بمعنای ثقل است نه بمعنای
«مصدری وزن» و تعبیر به «موازین» بصیغه جمع
در موارد متعدد قرآن کریم که فرموده است: «مَنْ
ثَمَّرَتْ فَوَازِيئُهُ» و «مَنْ حَفَّتْ فَوَازِيئُهُ» بر این مطلب
دلاله دارد که برای هر فردی میزانهای متعددی
بکار گرفته میشود و این تعدد از این جهت است
که اعمال نیک انسانی از قبیل نماز، زکوة، تقوا
روزه، جهاد زیاد است و برای هر یک از آنها
بشرحی که گفته شد میزان مخصوصی وجود دارد
که باید با آن سنجیده شود و محک زده شود.^۳

باین مطلب نیز باید توجه داشته باشیم که در
کتاب تفسیر و حدیث از حضرت صادق
علیه السلام نقل شده است که حضرتش موازین
روز قیامت را به پیغمبران و اوصیای آنها
سلام الله علیهم تفسیر کرده اند^۴ و این تفسیر نیز با
آنچه که در باره میزان روز قیامت گفته شد
متسافات ندارد زیرا مقصود از موازین اعمال
همانطور که گفتیم موازین حق است و پیغمبران
و ائمه علیهم السلام نیز میزانهای حق میباشند که
اعمال نیک انسانها با آنان سنجیده میشود و مورد
تشخیص قرار میگیرد و لذا در زیارت معصومین
علیهم السلام نیز «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْأَعْمَالِ»
آمده است.

- ۱- بحارالانوار ج ۷ ص ۲۴۳. ۱- سوره کهف آیه ۲۰۵.
- ۲- سوره النبا آیه ۴۷. ۵- سوره مؤمنون آیه ۱۰۱-۱۰۴.
- ۳- سوره اعراف آیه ۸-۹. ۶- سوره قارعه آیه ۵-۱۱.
- ۷- تفسیر العیزان ج ۸ ص ۷-۱۰.
- ۸- تفسیر العیزان ج ۸ ص ۱۴ و بحارالانوار ج ۷ ص ۲۴۹.